

"بررسی تطبیقی بن‌مایه‌های ادب‌پایداری اشعار حسین ارسلان و جواهری"

سید اسماعیل آفاقی حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۱۵

فاطمه غفوری^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۳۰

پوران یوسفی^۳

چکیده

درخشان‌ترین بخش ادبیات ملت‌ها یا ادبیات‌پایداری و مقاومت است یا پیوستگی و همسایگی با این ادبیات دارد. در دوره معاصر همراه با تحولات گسترده سیاسی و اجتماعی، کشورهای بسیاری شاهد انقلاب‌ها و فراز و فرودهای عمیق اجتماعی و سیاسی بودند که زمینه را برای نگرش‌های پایداری در ادبیات ایجاد کرد. شاعران متعددی که شعرشان را در خدمت اجتماع قرار داده بودند، مقاومت و پایداری، یکی از مضامین اصلی شعری آنها شد. در این مقاله دیوان شعر دو شاعر برجسته ادبیات معاصر ایران و عراق: «شهید حسین ارسلان» و «محمد مهدی جواهری» به لحاظ جلوه‌های پایداری و مقاومت با رویکرد تطبیقی بررسی شده است. تحلیل اشعار به روش توصیفی - تحلیلی بوده و مهم‌ترین و برجسته‌ترین مؤلفه‌های پایداری با ذکر تفاوت‌ها و شباهت‌ها در شعر آنها، بیان شده است؛ جواهری نیز از شاعران برجسته عراق است که اشعارش صبغه پایداری و مقاومت دارد. ارسلان اولین شاعر شهید صاحب اثر در دفاع مقدس هشت ساله ایران است که در این مقاله جلوه‌هایی از ادبیات‌پایداری را به تصویر کشیده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد جلوه‌های پایداری در شعر دو شاعر به لحاظ شباهت‌های سیاسی و اجتماعی دو کشور یکسان است، هر دو شاعر رسالت شعری خود را مقاومت در برابر استبداد داخلی و استعمار قرار داده‌اند، شعرشان فریاد درد و رنج مردم مظلوم در شرایط نامناسب جامعه است و با زبان تند و انتقادی نابه‌سامانی‌های اجتماع را منعکس کرده‌اند و آزادی را ستوده‌اند.

واژگان کلیدی: ادبیات‌پایداری، ارسلان، جواهری، مقاومت، نابسامانی‌های اجتماع.

^۱ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار، شهرستان انار، استان کرمان، ایران

^۲ دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار دانشکده ادبیات فارسی رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض رتبه استاد یار، شهرستان انار، استان کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استاد یار دانشکده ادبیات فارسی رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض، دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار، شهرستان انار، استان کرمان، ایران

تاریخ مقاومت جهان ریشه در گذشته‌های دور دارد و تاریخچه آن در حقیقت همان تاریخ ادبیات جهان است چرا که شاعران و نویسندگان متعهد از همان آغاز در کنار مردم مبارز و عدالت‌جو و خواهان آزادی و برابری بوده‌اند. در طول زمان با سرودن چکامه‌ها و نوشتن چامه‌ها و خطابه‌ها ضمن تشویق و ترغیب مردم به پایداری و مبارزه در راه حق و حقیقت، دلیری‌ها و از خودگذشتگی‌های مبارزان راه حق و حقیقت را در آثار خود به ثبت رسانده‌اند. ضمن اینکه اصطلاح مقاومت اصطلاحی است بسیار جدید و در گذشته چنین اصطلاحی معمول نبوده است. برای نخستین بار نویسنده معاصر فلسطینی غسان کنفانی نام مجموعه‌ی از شعرها و داستان‌های شاعران و نویسندگان فلسطینی را ادبیات مقاومت فلسطین گذاشت و بدین ترتیب اصطلاح ادبیات مقاومت یا مقاومت در بین شاعران و نویسندگان عرب و بعد در جهان رایج شد. (ترابی، ۱۳۸۹: ص ۷). ادبیات دفاع مقدس به مجموعه نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که درون مایه موضوع آن به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن باز می‌گردد. در نگاهی وسیع‌تر می‌توان طیفی گسترده‌تر و جغرافیایی فراخ‌تر برای این عنوان تصور کرد و با تکیه بر ویژگی‌های مقدس بودن که تداعی قلمرو الهی و دینی برای این نوشته‌ها و سرودها می‌کنند. (محمدرضا سنگری ج ۳ ص ۱۵).

۱-۱- ادبیات پایداری

ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت غضب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی ... شکل می‌گیرند بنابراین جان مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است. ولی این مفهوم در انقلاب اسلامی ایران با یک فاصله زمانی کوتاه نوزده ماه جنگ تحمیلی آغاز شد با پذیرش قطعنامه در بیست و هفتم تیر ماه ۱۳۶۷ توقف نسبی یافت همراه با خود جریان نیرومند فرهنگی در حوزه‌ی شعر، قصیده، نمایشنامه و نقاشی ... را بوجود آورد که تجربه‌های تازه و بدیع در لابه لای شبکه عظیم فرهنگی آن با خود به همراه داشت. مطالعه تحلیل و تبیین، بررسی نقد شناخت و بازیافت این حادثه عظیم در همه ابعاد ضروری است (سنگری ج ۱ ص ۹) بنابر این آنچه را در خلال این بررسی‌ها به صورت سروده‌ها و نوشته‌هایی بکار رفته به نوعی همدلی میهنی یا قومی در برابر تجاوز طبیعت را در پی دارد که به عنوان ادبیات پایداری قابل طرح هستند. به عبارتی ساده‌تر سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت مردم به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزین بود تحت عنوان ادبیات پایداری مقاومت قابل تقسیم بندی است (کاکایی ص ۹)

۱-۱-۱- هدف ادبیات پایداری

تأمل و تحقیق در حوزه شعر و ادبیات پایداری و تبیین ابعاد گوناگون دفاع مقدس ملت ایران با بهره‌گیری از زبان‌گویای هنر (به خصوص ادبیات) از جمله ضرورت‌های انکار ناپذیری است که متأسفانه تا امروز آن گونه که در خور این رخداد عظیم تاریخی است، مورد توجه جدی هنرمندان و اصحاب قلم قرار نگرفته است.

آثاری که توسط شاعران و نویسندگان حوزه‌ی ادبیات پایداری چه در زمان وقوع حادثه جنگ و چه بعد از آن خلق شده حجم کمی نیست، ولی اینکه این آثار تا چه حد توانسته در ابهام زدایی از این واقعه، رفع

شبهات روایت و ثبت حماسه‌ها و به تصویر کشیدن و ماندگاری این رخداد شگفت‌انگیز تاریخی موفق باشد جای بحث و تأمل فراوان دارد.

حضرت امام (ره) در یکی از سخنرانی‌هایشان فرموده‌اند تا ظلم هست، مقاومت و پایداری، هم هست (صحیفه نور) بنابراین باید گفت که شعر و ادبیات پایداری هم از این منظر تا زمانی که انسان بر روی این کره خاکی زندگی می‌کند پا به پای انسان به حیات خود ادامه می‌دهد و محدود کردن آن به یک دوره یا مقطع زمانی خاص، بی‌معناست. اینکه می‌گویند شعر پایداری با پایان یافتن دفاع هشت‌ساله‌ی ملت ایران خود به خود به پایان رسیده مغلطه‌ای بیش نیست در واقع می‌توان گفت شعر جنگ محدود به هشت سال دفاع مقدس می‌شود امروز موضوعیت ندارد ولی ((شعر پایداری)) با تعریفی که از آن ارائه شد تا ظلم هست، به حیات خود ادامه خواهد داد.

در مجموع و در تقسیم‌بندی کلی می‌توان اشعار دفاع مقدس را به مضامین زیر تقسیم‌بندی نمود:

۱- سروده‌ها و نوشته‌هایی که به ایستادگی در مقابل کشتش سقوط آفرین روحی و مصنوعی دعوت می‌کند.
 ۲- سروده‌ها و نوشته‌هایی که ما را در مقابل ستم و بیداد ستمگران بر می‌انگیزانند یا تصویری از زمان هوشیاری و بیدادی ترسیم می‌کنند.

۳- نوشته‌ها و سروده‌هایی که با تکیه بر اندیشه‌ها و آرمان‌های دینی، تصویری از بیدادها و خیالات جهانی ترسیم می‌کنند.

۴- نوشته‌ها و سروده‌هایی که به هفت سال دفاع مقدس و تبعات آن (بازگشت آزادگان) بازگشت پیکر پاک مفقود الاثرها، موضوع شهادت، بسیج و بسیجی‌ها، دلواپسی‌های کم‌رنگ شدن از زنها یادگار مانده از شهیدان، رزمندگان و... اختصاص دارد (سنگری ج ۳ ص ۱۷-۱۵)

آنچه شهید ارسلان را به سرودن اشعاری درباره دفاع مقدس برانگیخت اندیشه درونی او و ضرورت زمان بود. با آنکه وی مسئولیت خانواده‌ای را به دوش می‌کشید، به هیچ وجه به مادیات توجه نداشت و در چهره آرام و مهربانش، عشق به حق موج می‌زد و در جهت رسالت و نقش عمده‌ای که در هموار کردن زمینه‌های رشد و استعداد هنری در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حس می‌کرد در پی ریزی و تشکیل کانون اسلامی شعرا و ادبای اداره ارشاد اسلامی رفسنجان همت گماشت و از اعضای فعال و عضو هیات مدیره گردید و طی سه سال تلاش و همکاری بی‌شائبه، بر شیفتگان شعر و ادب و تعهدات اعضای کانون افزود و جلسات را انسجام بخشید.

از جمله خصوصیات آن شهید بزرگوار، این بود که علاوه بر تبحر و ذوق و استعدادی که در سرودن اشعار شیوا داشت. با وجود فصاحت سخن و صدای دلنشین هرگز به سرودن اشعار بی‌تعهد نپرداخت. وی از شهرت طلبی و دیگر امتیازات پرهیز می‌نمود و تحت تأثیر جنگ تحمیلی و ایثار و شهادت طلبی‌های امت اسلام و رهنمودهای حضرت امام مکنونات قلبی خویش را در رثای شهیدان و منقبت رزمندگان می‌سرود. وی شعر را سلاحی برنده علیه دشمنان می‌دانست و زبان شاعر را تیغی بران بر صف دشمنان می‌پنداشت. شهید ارسلان ویژگی‌های شعر و شاعری را چنین توصیف می‌کند:

شاعری در سخن را سفتن است شعر خوب و نغز و شیوا گفتن است

شعر شاعر نفخه بر جان می‌زند شور و عشق یار دامن می‌زند

شعر شاعر با زبان دل بخوان معنی اشعار او با جان بدان
شاعران در بستر اندیشه مست جرعه نوش و یار ساقی می پرست
شیخ شیراز آر بود شیرین سخن فرخی جان باخت در راه وطن

شعر جواهری شامل سه دوره شعری است. در آغاز به مدح و وصف و مضامین رایج ادبیات سنتی پرداخته است اما در جوانی همگام با تحولات جامعه وارد مبارزات سیاسی شد و شعرش را در خدمت جامعه و مردم قرار داد، دوره دوم و سوم مضامین سیاسی و اجتماعی، جزو مضامین اصلی شعر اوست. به طور کلی مضامین اصلی شعر او مدح، رثاء، وصف طبیعت شعر سیاسی و غزلیات است (معروف، اعتمادی، ۱۳۸۸: ۲۴۹) از این رو شخصیت او را «مجمع الأضداد» لقب داده اند زیرا او قدیم و جدید، گذشته، معاصر، طمع و مناعت طبع، جاه طلبی و مبارزه و تسلیم نشدن و انقلاب را با هم جمع کرده است (جبران، ۲۰۰۳: ۶۳). مضمون پایداری در اشعار سیاسی اجتماعی او دیده می شود. علاوه بر شعر، وی آراء و نظرات انتقادی خود را علیه استعمار و استعمارگران و حاکمان فاسد در قالب مقاله در روزنامه ها منتشر می کرد. به دلیل چاپ این مقالات و سرودن اشعار تند و انتقادی، سالهای زیادی از عمرش را در تبعید به سر برد. با وجود این تا زمان مرگش قلم خویش را برای دفاع از آرمان های خود و مردمش به کار گرفت. به اعتقاد ادبا و ناقدان، جواهری بزرگترین شاعری است که به شیوه سنتی و کلاسیک، زندگی پریشان عراق را از دهه بیست به تصویر کشید و باعث گسترش شعر سیاسی ماندگار در عراق شد. (جحا، ۱۹۹۹: ۲۹۳، الجیوسی، ۲۰۰۱: ۲۶۴) دوره اوج شاعری جواهری نیز با استعمار بریتانیا و فرانسه و استبداد حکومت ملی همراه بود «نخستین دهه های قرن بی ستم در کشورهای عربی و زمزمه های استقلال طلبی و مبارزات آنان برای رهایی از استعمار عثمانی با مبارزات مشروطه خواهی مردم ایران همزمان بود. این شرایط موجب شد تا شعر عربی و فارسی در راستای قیام و مبارزه ملت و همگام با حوادث روزگار به جامعه و مردم نزدیک شده، موضوعات ملی، وطنی و اجتماعی توسط شاعران مطرح شود و شعر رنگی سیاسی - اجتماعی به خود بگیرد» (انصاری، ۱۳۸۹: ۸۰).

۲- بن مایه های ادب پایداری در شعر دو شاعر

۲-۱- جواهری

۲-۱-۱- مبارزه با استعمار و استبداد

در شعر جواهری نیز تنفر از استعمار بسیار آمده است، ناقدان معتقدند جواهری بزرگترین شاعری است که جامعه عراق قرن بیستم را به تصویر کشیده است. (الجبوسی، ۲۰۰۱: ۲۶۴) او تجربه استعمار را از کودکی چشیده است. در نوجوانی همزمان با جنگ جهانی اول، استعمار به خاک کشور وارد می شود و بعد از جنگ تا ۱۹۱۷ بغداد و سرتاسر عراق به تصرف انگلیس در می آید (نظمی، ۱۹۵۳: ۸۹) با ورود استعمار، اختناق تمام جامعه را می گیرد و این فضای خوفناک در شعر شاعران متعهد آمده است. در این دوره جواهری با سرودن قصایدی چون «الثوره العراقيه»، «أیها الوحش .. أیها الاستعمار» به عنوان یک شاعر ملی در جهان عرب شناخته شد و به شاعر العرب الأكبر» ملقب گردید، روزنامه «الرای العام» بارزترین و برجسته ترین روزنامه ای بود که جواهری بخش زیادی از عمر خود را صرف انتشار آن کرد و چندین بار به دلیل

موضع گیری های میهنی اش به وسیله مخالفان تعطیل شد (الخیاط، ۱۳۸۵: ۳۴ - ۳۵) در سال ۱۹۴۷ از سوی دولت به عنوان نماینده کربلا انتخاب می شود (الخیاط، ۱۹۷۰: ۹۵) ولی در همان سال همگام با دیگر نمایندگان مخالف سیاست های استعمارگرایانه بریتانیا از نمایندگی استعفا میدهد (بیضون، ۱۹۹۳: ۱۰) او حضور استعمار فرانسه و انگلیس را در کشور محکوم می کند و اشعار کوبنده ای در خطاب به آنها سروده است. در رابطه با استعمار فرانسه می گوید:

فرنسا ما اقبح المدعی
کذاباً وما اخبث المدعی
لک الولیل من رائم اطعمت
دم الراضعین و لم تشبع
(جواهری ۲۰۰۸: ۶۸۱)

معنی: ای فرانسه چه زشت است ادعای دورغین و چه نابکار، ادعا کننده ای هستی مرگت باد چه بد دایه سیری ناپذیری هستی که خوراکت خون بچه های شیرخواری است که تو دایه آنهاپی با وجود استعمار، جامعه عراق در دوره جواهری نابه سامانی های بسیاری داشت مسائلی چون فقر، بی عدالتی، اختلاف طبقاتی، نبود آزادی های سیاسی، عدم استقلال وابستگی به ابرقدرتها رنج می برد. جواهری به عنوان یک ناقد اجتماعی می دانست که همه اینها برخاسته از اصول سیاسی حاکم بر جامعه عراق است که از سوی بریتانیا بر این ملت تحمیل شده است (ایروانی زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۶) او به شدت به این مسائل عکس العمل نشان داده است (ابوحاقه، ۱۹۷۹: ۲۳۷).

در قصیده «المجلس المفجوع» که در سال ۱۹۲۹ سرود از نمایندگان مجلس انتقاد می کند، آنها را به چوب خشکی مانند می کند که اراده ای از خود ندارند و با اجازه استعمارگران و استبداد داخلی رای می دهند:

و لقد أقول لرافعین أصابعا
رهن الاشارة تختفی أم تعتلی
لیست تحس كأنها أحطاب
وینال منها السلب و الأیجاب
ماذا نویتم سادتی: هل أتمم
بعد الرئیس کعهده، أخشاب
(همان: ۲۷۲)

۲-۱-۲- توصیف اوضاع نابه سامان جامعه و دعوت مردم به مبارزه

توصیف نابه سامانی های اجتماعی در شعر جواهری نیز بسیار آمده است. او در اشعارش از حقوق آن طبقه از اجتماع که از نظر معیشتی، آموزشی و کاری در فقر به سر می بردند، دفاع کرده است (جبران، ۲۰۰۳) چهره فقر را به تصویر کشیده است، از ظلم و ستمی که در جامعه رایج است سخن گفته است در این باره مهم ترین مسئله در دیوان او فاصله طبقاتی است که همواره اعتراض را او برانگیخته است، در ابیات زیر تقابل فقر و ثروت را بیان کرده است:

وبات بطون ساغبات علی طوی
و اتخمت الأخری بطیب المطاعم
أمن کدح ألاف تفیض تعاسه
یمتغ فرد بالنعیم الملازم
ألا ان الاکون رفاهه
مشاعا علی افراده غیر دائم
(جواهری ۲۰۰۸: ۳۷۸ - ۳۷۹)

معنی: چه شکم هایی که با گرسنگی شب را گذراندند و حال اینکه شکم های دیگری از خوردن غذاهای لذیذ دچار سوء هاضمه شدند/ آیا از زحمت هزاران نفر که تیره روزی شان فراگیر می شود یک تن پیوسته نعمت و آسایش باشد اهان وضعیت رفاه و آسایش برای افرادش فاگیر و ماندگار نخواهد بود.

در قصیده بلند «تنویم الجیاع» با حالت طنز فقر موجود در جامعه را بیان کرده است:

نامی جیاع الشعب نامی	حریستک الهه الطعام
نامی فأن لم تشبعی	فی یقظه فمّن المنام
نامی علی زبد الوعود	یداف فی عسل الکلام

(همان: ۶۱۰)

معنی: بخوابید ای گرسنگان ملت، بخوابید. خدایان غذا از شما پاسداری می کنند/ بخوابید که اگر در بیداری سیر نشدید در خواب سیر می شوید / بخوابید بر وعده های دروغینی که با سخنان عسل گونه ترکیب می شود.

مضی أمس حیث یقص الشیوخ	الأبنائهم کیف عاشق العبید
و کیف استوی حبه حبه	من العرق المر عقد فربد
و کیف و أطفالکم فی العراء	صبغت لطفل السری المهود
و کیف علی کسرات الرغیف	ایفر فی کل یوم شهید

(همان: ۷۴۳)

معنی: دیروز بود که پیران برای فرزندان خود حکایت زندگی بردگان را می گفتند که چگونه در سرمای شدید افرادی عریان بودند تا افراد دیگری خود را با پارچه های ابریشمی بپوشانند و چگونه دانه های گردنبندی بی همتا از عرق دردناک بینوایان به رشته در آمد و چگونه فرزندان شما برای خدمت به کودکان اشراف زاده پا به عرصه وجود گذاشتند و چگونه برای تکه های نان هر روز شهیدی نقش بر زمین می شود.

إیاکم و الذل / إن جرحه لایضمد / لاعاش شعب أهله / لسالم مقید (همان: ۵۰-۵۳)
معنی: از خواری و ذلت دوری کنید که همان آن جراحی است که مرهم ندارد / مادامی که ملت اهل ذلت باشند زبانشان بسته است

در بیت زیر به کنایه از مردم می خواهد حق خود را از افراد غاصب بگیرند
إذا أنت لم تأکل أکلت و ذله / علیک بان تنسی و غیرک شائع (همان: ۶۳)
معنی: اگر تو نخوری، خورده می شوی و این مایه خواری و حقارت است که تو فراموش شوی و آوازه دیگران بر زبان ها باشد.

در ابیات زیر از مردم می خواهد در جایی زندگی کنند که با آزادی و عدالت باشد زیرا کشوری که گمراهان رهبر آن باشند جای امیدی نیست.

فاما حیاه حره مستقیمه	تلیق بشعب ذی کیان و سودد
وماذا ترجی من بلاد به شعره	تقاد و شعب بالمضلین یهتدی

(همان: ۲۳۹)

معنی: یا زندگی مبتنی بر آزادی و عدالت باشد که شایسته ملت شرافتمند و دارای سیادت این نوع زندگی است و از کشوری که به مویی کشیده شود و راهبری اش در دست گمراهان باشد چه جای امیدی می تواند باشد.

۲-۱-۳- توجه به وطن و ستایش قهرمانان ملی و میهنی

اشعار وطنی هم در شعر جواهر بسیار آمده است، او با حضور مستقیم در صحنه‌های سیاسی و وابستگی به احزاب وطنی، اشعار وطنی سرود (الواعظ، ۱۹۷۴: ۳۴۳)

در شعر زیر عراق را عشق خود می‌داند

أنا العراق لسانی قلبه و دمی
فراته و کیانی منه أشطار
(جواهری، ۲۰۰۸: ۱۸۹)

معنی: من عراقم، زبانم قلب او و خونم آب فراتش و وجودم پاره پاره شده از آن اوست.
در مورد بغداد می‌گوید

بغداد یا قلب العراق ووعیه
وضمیره لا زعزعتک ریاح
(همان: ۲۱۰)

معنی: بغداد ای قلب عراق و هوشیاری و وجدان، آن مبدا که باد تو را بلغزاند
بکیت و ما علی نفسی ولکن
علی وطن مضام مستهان
علی وطن عجیف لیس یقوی
(همان: ۱۸۱)

معنی: گریستم لکن نه بر خویش بلکه بر وطن ستم دیده و خوارا بر وطنی که در برابر بلاهای عظیم و پی در پی تزار و ناتوان است.

الله یجزیک الجمیل فکل ما
و بذرت للأوطان أشرف بذره
خلفته فی المسلمین جمیل
ستطول أفرع لها و أصول
(همان: ۱۸۷)

معنی: خداوند همه نیکیها را به تو پاداش دهد. هر آنچه را برای مسلمین به جا نهادی زیباست/ برای وطنها با ارزش ترین بذر را کاشتی که شاخه‌ها را و رشته‌های آن طولانی خواهد شد(همه جا را فراخواهد گرفت)

یا در مورد رئیس حزب اتحاد وطنی «یاسین هاشمی» اشعاری را سروده است.
قد کنت فذا فی الرجال نیوغها
و جهادهم خیر الجهاد الأمه
وقف علی التبجیل و التعظیم
تهدی إلی نهج أغرقویه
(همان: ۱۱۹)

معنی تو بودی در میان مردم یکتا بودی و صاحب احترام هستی او جهاد ایشان بهترین جهاد است که مردم را به سوی استوارترین راه هدایت می‌کند. همچنین جواهری هم نیز به شکوه گذشته بغداد در اشعارش اشاره دارد،

لیت الرشید من بطن الثری
الیری الذی شاهدت فی بغداد
(همان: ۸۴)

معنی: ای کاش رشید از خاک بلند می‌شد و این روزهای بغداد را میدید.

۲-۱-۴- اتحاد مردم و داشتن شور اسلامی

جواهری معتقد به اتحاد جهان اسلام است و نجات کشورهای اسلامی را در وحدت می‌داند، او معتقد است که با اتحاد، جهان اسلام می‌تواند از زیر سلطه استعمار و استبداد بیرون بیاید، برای توصیف این اتحاد از قرآن استفاده می‌کند، معتقد است اتحاد جهان اسلام در سایه کتاب مشترک قرآن است

احقاً بیننا اختلفت حدود و ما اختلف الطريق و لا التراب
افتراقت وجوه عن وجوه و لا الضاد الفصیح و لا الکتاب
ثقوا أنا توحدنا هموم مشارکه و یجمعنا مصاب
(جواهری ۲۰۰۸: ۱۹۸)

معنی: آیا در دست است که مرزها میان ما اختلاف افکنده در حالی که راه و خاک ما یکی است/ چهره‌ها تفاوت ندارد و زبان فصیح عربی و کتاب دینی از هم جدا نشده است/ مطمئن باشید که اندوههای مشترک ما را به هم پیوند می‌دهد و درد ما را گرد هم می‌آورد.

در اشعاری می‌گوید خواهان همبستگی میان همه ملت‌ها از فارس و ترک و عرب و کرد است
أنا شاعر یبغی الوفاق موحد بین الشعوب سبیلہ الإرشاد
ما الفرس والأعراب إلا کفتا عدل و لا الأتراک و الأکراد
لم تکفناهدی المطالع فرقه حتی تفرق بیننا الأحقاد
(همان: ۹۵)

۲-۱-۵- توجه به مسائل دیگر کشورها

جواهری از شاعرانی است که به اوضاع سایر کشورها پرداخته است مثلاً در قصیده «الثوره السوریه» به فکر مردم سوریه است، از آنها می‌خواهد انقلاب کنند یا رهبران دیگر کشورها را ستوده است. در ۱۹۶۰ وقتی سفارت هند در مراسمی یادگاندی را گرامی می‌دارد در این مراسم جواهری نیز او را می‌ستاید، او به فکر مردم فلسطین است. در قصیده «جروح الغلستین» با آنها همدردی می‌کند. او حتی به فکر مردم ایران است در قصیده «یوم الشهداء فی ایران» در مورد مصدق و ملی شدن صنعت نفت سروده است که در آن شهدای این واقعه را ستایش کرده است:

سالت لثملی ما تشاء دماءها و هوت لترفع شأنها شهداء
و انصاع مخضوبه یرگز نفسه ما بین ألویه الشعوب لواءها
ضاعت و بالمهجات تفرش ارضها بالمکرمات البیرات سماءها
(جواهری، ۲۰۰۸: ۶۳۳)

معنی: خون این ملت جاری گشت تا آن چیزی که خواستار آن است را املا کند شهدا بر زمین غلطیدند تا شأن و مقامشان را بالا ببرند/ پرچم شان آغشته به خون شده تا بتواند محکم و استوار در زمین جای گرفته در بین پرچمهای دیگر ملتها برافراشته بماند این کشور زمینش با قلب مردم فرش شده است و آسمانش با بزرگواری های تابان آنان منور گشته است

۲-۱-۶- توجه به عاشورا

جواهری در اشعارش توجه ویژه به عاشورا دارد. دو قصیده بسیار شیوا و بلیغ با عنوان «آمنت بالحسین» و «عاشورا» سروده است که او را جزو بهترین شاعران ادبیات دینی قرار داده است، او عاشورا را نماد انقلابی می‌داند و مخالف‌گریه و زاری است و آن را نوعی فریب سیاسی میدانند که سیاست‌مدران از احساس

مردم سوء استفاده می‌کنند و قصد دارند پرتو هدف والای امام حسین را در میان عزاداران خاموش کنند. در قصیده «عاشورا» نوع نگاه شاعر به مسئله عاشورا بیشتر معرفتی و بینشی است که در بخش سوم و چهارم تا حدی شکل تاریخی و وقایع‌نگاری به خود می‌گیرد؛ البته نه بیان وقایع و حوادث تلخ کربلا؛ بلکه بیان واقعیت‌های تاریخی خاندان بنی‌امیه و مکر و خدعه آنان پرداخته است. کوشیده تا حقایق عاشورا را بی‌تحریف نمایان ساخته و واقعیت‌ها را درباره امام حسین (ع) و خاندان و اصل و نسب او بیان کند و پرده از چهره واقعی یزید و بنی‌امیه بردارد. در آغاز قصیده شاعر نفسی را توصیف می‌کند که از پذیرش ذلت و خواری ابا دارد و مرگ را آسان‌تر از صبر در برابر ستم می‌بیند. آنگاه با توصیف حرکت کاروان امام (ع) آغاز می‌شود. شاعر در این بخش با اشاره به عظمت این حرکت، آن را چنین تبیین می‌کند که امام (ع) آگاهانه و با علم به عاقبت خویش و همراهانش پای در این سفر نهاده است. در بخش دیگری از قصیده که طولانی‌ترین بخش آن است، هدف شاعر افشاگری است. کوشش شاعر در این بخش توصیف زیرکی معاویه در انتقال حکومت به یزید است، او به رقابت میان معاویه با آل‌زبیر و پیروزی معاویه اشاره می‌کند و تا حدی بر آن است تا چهره خوبی از معاویه نشان دهد؛ اما از نظر دینی او را ضعیف و آل‌زبیر را عصبی و آتشی مزاج توصیف می‌کند، در مقابل می‌کوشد چهره منفی یزید را در گمراهی و بی‌دینی و میگ‌ساری در برابر چشمان خواننده مجسم کند. او این بخش را با بیان احساس تائر یزید از خیر مرگ امام (ع) و تحسر او به پایان می‌برد. در پایان هم به دغدغه اصلی خود که مبارزه با خرافه پرستی و تحریف‌زدایی از واقعه عاشورا است،

اشاره می‌کند و صراحتاً از مردم می‌خواهد که در بیان مصائب آن روز، تحریف روا ندارند و برای تغییر و تحریف و دگرگون کردن حقایق آن کوشش نکنند. (انصاری، سیفی، ۱۳۹۳: ۶۰ - ۶۱)

در نمونه‌ای از آن ظلم و ستمی که بنی‌امیه در حق نبوت و امام حسین (ع) انجام دادند بیان کرده است و از مردم کوفه که پیمان شکستند، انتقاد می‌کند که چگونه امام را تنها گذاشتند.

تکس پوم الطف تاریخ امه	مشی قبلها ذا صوله متبخترا
فما کان سهلا أخذ موثق	علی عربی أن یقول فیعدرا
وما زالت الأضغان باین امیه	تراجع منه القلب حتی تحجرا
و حتی ابتری فاجتث دوحه إحمد	مفرعه الأغصان وارفه الذری
وما کنت بالتفکیر فی أمر قتله	الإزداد ألا دهشه و تحیرا
تکشف عن أید تمد لیبعه	و أفتده قد أوشکت أن تقطرا
و بین التخلی عنه شلوأ ممزقا	سوی أن تجی الماء خمس و تصدرا

(جواهری، ۲۰۰۸: ۸۸)

معنی: روز عاشورا، تاریخ امتی را وارونه کرد که تا پیش از آن دامن‌کشان و مبتکرانه قدم بر می‌داشت و تا قبل از آن برای یک عرب آسان نبود که عهدی را ببندد و آن را بشکند/هماره کینه‌ها به قلب یزید برمی‌گشتند تا اینکه قیلش تبدیل به سنگ شد و به سان سنگی تراشیده شد و چون شمشیر شجره‌نامه پرشاخ و برگ و سرسبز آل‌احمد را ریشه کن کرد و من آن هنگام که به کشته شدن او فکر می‌کنم بر حیرت و دهشتم افزوده می‌شود/متحیرم از دستانی که نشان می‌داد برای بیعت دراز شده‌اند و دل‌هایی که از شوق دیدن روی امام چون قطره فرو می‌ریزد و متحیرم از رها کردن جسم پاره‌پاره شده اش، همچون شتری که

سه روز به چرا برده شود و روز چهارم آب نوشانده شود(اشاره به باقی ماندن اجساد شهدا به مدت سه روز بر زمین) با توجه به اقدام امام جواهری نیز می گوید

هی النفس تأبی تذل و تقهرا
تری الموت من ص بر علی الضیم ایسرا
(همان: ۸۹)

معنی: نفس انسان از خواری و ذلت آبا دارد و مرگ را از تحمل ظلم و ستم آسان تر می یابد.

۲-۲-۲- ارسلا

با بررسی های انجام شده در اشعار بازمانده از شهید ارسلا می توان عناصر متعددی چون حضرت سید الشهداء، حضرت امام خمینی، شهید، بسیج، سرباز، لاله سرخ، رجز خوانی با دشمن، خط سرخ شهادت و ... را به عنوان مهمترین عناصر پایداری شعر او برشمرد. در این نوشتار هر یک از این عناصر و جلوه ها را با شرحی مختصر همراه با نمونه هایی از آن اشعار می آوریم:

معلم شهید، حسین ارسلا (رخشا) نیز وقتی از عظمت والای شهید سخن می گوید یاد آور می شود که زمزمه و سرود شهیدان فاخر والا مقام اسلام، همان کلمات و آیات مقدس والشمس والضحی می باشد به عبارت دیگر هم کردار شهید و هم گفتار او نیز مظهر و تجلی عینی آیات و کلام مقدس الهی است.

دل خلق از شما یکدم جدا نیست	که بی روی شما دل را صفا نیست
در این دریای طوفان زای معراج	به جز عزم شما کس ناخدا نیست
شیاطین گر چه یار دشمنانند	شما را یار و یاور جز خدا نیست
شما که روی لبهاتان سرودی	بجز آیات والشمس والضحی نیست

۲-۲-۱- حضرت سید الشهداء آموزگار بزرگ عزت و پایداری

شعر عاشورا از قرن اول هجری تاکنون مورد توجه شعرای جهان اسلام بوده و امروز بخش عمده ادبیات پایداری در کشور ما به شعر عاشورایی وابسته است و به فرموده حضرت امام خمینی (ره)، انقلاب ما نمی از یم عاشوراست، بنابراین دفاع مقدس ما جلوه کوچکی از عاشورای حسینی است که در آن یاران خمینی کبیر با اقتدا به سرور و مولای خویش قدم در این راه نهاده و در این مسیر، بذل جان و سر نمودند. شهید ارسلا ابیات بسیاری در وصف حضرت سید الشهداء، ماجرای خونین کربلا و فداکاری های هفتاد و دو تن یاران آن مقتدای بزرگ دارد. او خط سرخ شهادت را در چهار پاره ای کوتاه چنین ترسیم می کند:

حسین از بهر چه جان را فدا کرد؟	خط سرخ شهادت برملا کرد
به خون پاک یاران و عزیزان	که محکوم ابد ظلم و جفا کرد
حسین آزاده مرد راست قامت	بداد او درس ایمان و شهادت
نمود امضاء به خون دیده و دل	سندهای شرافت تا قیامت

هم او در جای دیگر، درس وفا را از یاران آن حضرت می‌گیرد و در عزای او هر محرم می‌گیرد و ماتم می‌گیرد:

ما صولت خدایی از کربلا بگیریم	از زینب و ابوالفضل درس وفا بگیریم
خون حسین مظلوم جوشد به جسم و جانم	ما انتقام خود را از اشقیاء بگیریم
هر نیمه شب به زاری پیش خدای رحمان	بهر شفای مرضی دست دعا بگیریم
از دیده خون فشانیم در ماتم محرم	هر شب عزای او را صبح و مسا بگیریم

و در مثنوی دیگری، مظلومیت طفل شش ماهه امام حسین، علی اصغر را به تصویر می‌کشد و زبان حال پدر را چنین می‌سراید:

شما ای مردم نابخرد پست	برفت از تشنه کامی طفلم از دست
شده از تشنگی این طفل بی تاب	دهیدش بهر حق یک جرعه آب
ندارد او به هیچ آیین گناهی	نخیزد از گلویش دیگر آهی

در جای دیگری، فداکاری حضرت عباس (ع) و مظلومیت او در روز عاشورا و ناکامی‌اش در رساندن آب به خیمه‌ها را یادآور می‌شود و با جسم صد چاکش نجوا می‌کند:

در کنار علقمه جسمی فتاده غرق خون	پیکرش صد پاره و رخسار ماهش لاله گون
مشک آبش یک طرف دستان او سوی دگر	مانده پایش در رکاب از زین شده او سرنگون
با لب عطشان فتاد او همچو سروری بر زمین	قلب پیغمبر به مینو شد بسی زار و غمین

و در زبان حال دیگری از سید و سالار شهیدان، هدف از قیام سید الشهداء (ع) را نابودی کاخ ظلم ظالمان و زنده کردن دین پیامبر مکرم اسلام (ص) دانسته و چنین سروده است:

آمدم تا کاخ ظلم ظالمان ویران کنم	با نثار خون خود جور و جفا پنهان کنم
آمدم تا در رثای دین پیغمبر کنون	اصغر شش ماهه طفلم را به سرقربان کنم

و در مرثیه‌ای دیگر، اربعین سید و سالار شهیدان را یاد آور شده و حالت عزاداری خاندان آن حضرت را ترسیم می‌کند و چنین می‌سراید:

چهلمین روز از عزای زاده پیغمبر است	اشک غم جاری ز رخسار و چشم حیدر است
آن که اندر گوشه‌ای خاک عزا بر سر کند	خون جگر لیلا ز داغ نوجولنش اکبر است

آنکه در آغوش خود بگرفته قبر کوچکی او رباب آن مادر زار علی اصغر است
آن زن بشکسته قامت را که شیون می کند زینب غمدیده نور دیده های حیدر است

۲-۲-۲- انقلاب اسلامی از آغاز تا پیروزی

شهید ارسلان در اشعار زیادی به تشریح مبانی و علل تکوین انقلاب اسلامی مردم ایران پرداخته و حوادث تاریخ معاصر ملت ایران و قیام پانزده خرداد ۴۲ تا جمعه خونین ۱۷ شهریور و طلوع فجر انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۵۷ را به تصویر کشیده و زیر و بم حوادث این حرکت الهی را باز نموده و بررسی کرده است شهید ارسلان وضعیت گذشته ملت ایران را چنین به تصویر می کشد:

هزاران سال ها شاهان جبار سیه دل های ننگین خوی و خونخوار
به ملک ما تجاوزها نمودند ز ملت خون مکیدند و غنودند
همه در فکر تاج و تخت بودند پی شادی و عیش سخت بودند
طلا و نقره بود و پادشاهی گه از الماس تاجی و کلاهی

و سپس حوادث بعد از شهریور ۱۳۲۰ و نفوذ آمریکای جهانخوار و سیطره آنها بر همه ارکان کشور و مقابله آنها با قرآن کریم و تصویب لوایح مخالف شرع را عامل قیام ۱۵ خرداد دانسته و چنین می سراید:

دشمنان ضربه به آیین بزدند پنجه در پنجه شاهین بزدند
امریکا قبله ایران شده بود کاخ وحدت همه ویران شده بود
ناگهان نیمه خرداد رسید صبح آمال و امیدی بدمید
مردی از زاده زهرای بتول که دلش سخت پریشان و ملول
زد همی بانگ به طاغوت زمان خطشان را همه بنمود عیان

و در ابیات دیگر حماسه پانزده خرداد را تشریح کرده و آن را جهاد بزرگ به فرماندهی بزرگ مردی آگاه از مجتهدین مجاهد دانسته و چنین می گوید:

نیمه خرداد ماه روز قیام است و خون کوچه و بازارها گشته ز خون لاله گون
دشمن از این ماجرا خوار و ذلیل و زیون دیو نفاق و ستم شیشه عمرش شکست
روز جهانی بزرگ مانده به تاریخ ما رهبر آگاه ما داده تو گویی پیام

و در ابیات دیگر لزوم گسترش و نشر حقایق این قیام را یاد آور شده و پیروزی انقلاب اسلامی را ثمره جوشش خون شهدای ۱۵ خرداد دانسته است و چنین می‌گوید:

آنچه از نیمه خرداد به گوش دل ماست هر چه گوئیم و نویسیم بجاست
 بی خبر ماندن از آن روز بزرگ گنهی سخت عظیم است و سترگ
 یاد آن روز در اندیشه ماست ذکر خون شهدا پیشه ماست
 انقلابی که کنون مانده به جاست ثمر جوشش خون شهداست

شهید ارسلان علاوه بر پانزده خرداد، فاجعه غم بار جمعه سیاه ۱۷ شهریور را نیز به تصویر کشیده و طوفان غم‌زای این حادثه را به سان چادری از ماتم و عزا بر سر تهران دانسته و سیل خروشان خون شهدای مظلوم میدان ژاله را باعث اضمحلال کاخ ستم شاهی و پیوند عمیق مردم می‌داند و چنین می‌سراید:

هفده شهریور آن جانهای پاک بهر آزادی به جنت پر کشید
 گویا تهران در آن شب بس گریست چادر ظلمات و ماتم سر کشید
 خون پاک کودکان و مادران پایه‌های کاخ شاهی را شکست
 وحدت مردم به اوج خود رسید رشته زنجیر ظلم از هم گسست

شهید ارسلان خروش همگانی ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی را عامل پیروزی اعلام کرده و این پیروزی شکوهمند را موجب خشم و ناخشنودی غرب و دیوانگی آمریکای جهانخوار دانسته و چنین می‌سراید:

از خروش همچو سیل مردمان کاخ ظلم و ظالمان ویرانه شد
 غرب عصیانگر ز خشم توده‌ها همچو سنگ‌هار و سپس دیوانه شد
 دام استبداد و نیرنگ و فریب با نثار خون ز جا برچیده شد
 بند استعمار از این ایران پاک با شرف از بیخ و بن ببریده شد

۲-۲-۳- حضرت امام خمینی

حضرت امام خمینی به عنوان فرمانده کل قوا در هشت سال دفاع جانانه ملت ایران و مرجع تقلید دهها میلیون شیعه عاشق اهل بیت عصمت و طهارت، یکی از مهمترین عناصر در شعر پایداری معاصر ملت ایران است. شهید ارسلان حضرت امام را رادمردی از اهل توحید و عدالت می‌داند که همچون کوهی استوار و شجاع با کلامی که چون شمشیری برنده است حافظ مرزهای زهد و تقوی است:

امام ای مرد توحید و عدالت چو کوهی استوار اندر شجاعت
 کلامت همچو شمشیر ابوذر کرامت بارد از روح و روانت
 نگهبانی به مرز زهد و تقوی درود بی نهایت بر جمالت

وی در سروده دیگری حضرت امام را چنین توصیف می‌کند:

...قسم بر توای سایه عدل و داد که نهضت نمودی در ایران قسم
 قسم بر تو و مکتب صادقیت که سر زد به خون شهیدان قسم...

شهید ارسلان حضرت امام را رودی زلال جاری بر ((دشت و کوهسار)) و ((باصفاتر)) از گل‌های بهاری می‌داند و می‌گوید:

گلی دارم به گلزار جماران که باشد باصفا تر از بهاران
 زلال و پاک باشد همچو رودی همه جاری به دشت و کوهساران

شهید ارسلان به مناسبت ورود حضرت امام خمینی به کشور ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ قصیده بلندی سروده و او را طیب درد مردم با مرهم عشق و همچون ابراهیم خلیل ... (ع) بت شکن معرفی نموده است. شاهد این موضوع ابیات زیر است:

نگار نازنین از در درآمد شب هجران و اندوه هم سر آمد
 به پا گویی قیامت گشته زیرا چو امشب مه برون از خاور آمد
 طیب درد ما با مرهم عشق به گرمی تا کنار بستر آمد
 به بتگر گو خلیل اینک به عزم شکست بتگران آزر آمد

۲-۲-۴- دعوت و تشویق مردم به دفاع

شهید ارسلان در اشعار خویش مردم را به حضور در جبهه‌های جنگ تشویق نموده و جبهه جنگ ایران را صحنه کربلا دانسته و حضور در جبهه را مظهر فتوت و جوانمردی می‌داند و حضور رزمندگان در جبهه را همچون هجوم پرنندگان ابابیل بر سر اصحاب ابرهه و طوفان نوح اعلام کرده و آنها را ناشران دین رسول ... می‌داند نمونه‌ای از آن ابیات چنین است.

به پیش ای ناشران دین احمد شما مجذوب الله اید و سرمد
 به پیش ای ناجیان از نسل هابیل که مامورید چون طیر ابابیل

به پیش ای همچو طوفان خدایی که ظالم را کشید اندر تباهی

شهید ارسلان در اشعار دیگری دعوت به جبهه را وظیفه همگانی و حرکت به سوی کسب فضایل انسانی می‌داند و چنین می‌سراید:

باید که از این کوی گذر کردن و رفتن
زین شهر پر از فتنه سفر کردن و رفتن
اینجا نتوان ماند که تقدیر چنین است
هر بی خبری باز خبر کردن و رفتن
باید بزنی چنگ به دامن فضایل
از شر و بدی ساده حذر کردن و رفتن

او در بخشی دیگر از اشعار خود به مدح و ستایش رزمندگانی می‌پردازد که در جبهه حضور پیدا کردند و این دعوت حضور در جبهه را اجابت نمودند و در ابیائی ملیح و فصیح، خطاب به رزمندگان می‌گوید که آن شیر پاکی که از سینه مادر خورده‌اید گوارایتان باد. آن ابیات بدین شرح است:

درد خلق و خالق بر شما باد که ترک جان و ترک سر نمودید
هر آنچه بودتان در کف تمامی نثار مقدم دلبر نمودید
گوارا بادتان آن شیر جان که نوش از سینه مادر نمودید

و در ابیاتی دیگر، شهید ارسلان اعلام می‌کند که این جنگ اگر صد سال هم طول بکشد ما از اهدای جان و مال دریغ نمی‌کنیم و بالاترین سعادت در این راه را شهادت می‌دانیم. نمونه‌ای از آن ابیات چنین است:

به طول انجامد از این جنگ صد سال مباداتان دریغ از جان و اموال
که پشتیبان ما دست خداوند بود ضامن به هر جایی و احوال
شود شامل تو را هر گه سعادت یقین دان قسمتت گردد شهادت

شهید ارسلان در شعر دیگری به تشویق و تحریض رزمندگان پرداخته و آنان را شیر بیشه و دشمن شکار و از مخلصین فی سبیل... قلمداد کرده و از آنها خواسته تا همچون باران، تیرهای خشم و نفرت خویش را نثار مزدوران کافر عراقی نموده و رزم خود را تا رسیدن به فصل بهار پیروزی ادامه دهند. بخشی از ابیات این شعر بلند عبارتند از:

شما ای راهیان جبهه نور یقین از نسل و قوم سربدارید
که این سان همچو شیر بیشه بدر به عشق حق چنین دشمن شکارید
شما ای مخلصان درگه دوست که جز عشق خدا در سر ندارید
چو باران، تیر خشم و نفرت خود به سر تا پای مزدوران ببارید

در جنگ‌های قدیم که درگیری در یک میدان محدود صورت می‌گرفت عموماً رزم آوران روبروی هم قرار می‌گرفتند و ضمن معرفی خود مبارز می‌طلبیدند و درگیری بین آن دو نفر آغاز می‌گشت تا این که یکی از آنها کشته می‌شد و دوباره این صحنه تکرار می‌گردید جاودانه‌ترین مبارزه در تاریخ بشر صحنه کربلای حسینی است در آن نیم روز هر یک از یاران ابا عبد... الحسین (ع) به معرفی خود و مولایشان می‌پرداختند و سپس وارد کارزار می‌شدند رجز خوانی در دنیای امروز، از طریق رسانه‌های گروهی است و گسترش آن به حدی است که امروزه جنگ رسانه‌ای و جنگ نرم از جمله مهم‌ترین گونه‌های جنگی در قرن بیست و یکم به شمار می‌آید در عصر حاضر شاعران و نویسندگان نیز گاهی در آثار خود به رجز خوانی علیه دشمن می‌پردازند که نمونه‌ای از آن ابیات در اشعار شهید ارسلان به چشم می‌خورد. گزیده‌ای از آنها در ذیل ذکر می‌شود:

خط بطلان رشته عمر تو را پایان زند	گو به دشمن خاک ایران آتشت بر جان زند
مشت پولادین به مغزت ملت ایران زند	گو به صدام ای سیه دل بگذر از ایران ما
تا مداوم بر عمود جان تو نادان زند	هر وجب از خاک ما پتک گرانی گشته است
و یا در جای دیگر چنین می‌سراید:	
خاک خوزستان ز خون خود گل افشان می‌کنم	زندگی بر خصم دون هر دم پریشان می‌کنم
شرق و غرب از عزم خود مبهوت و حیران می‌کنم	خاک ایران پاک می‌سازم ز لوٹ اهر من

شهید ارسلان گاه مبارزه با دشمن را در فراسوی مرزها به تصویر کشیده و اعلام کرده که به فرمان امام خمینی، باید پرچم دین حضرت محمد (ص) را به سوی قدس عزیز ببریم و پرچم اسلام را در آن سرزمین به اهتزاز در آوریم. ابیات این فراز چنین است:

روزی است که باید شکنم پشت عدو را	رسوا کنم و باز کنم مشت عدو را
شهید ارسلان در رجز دیگر عهد و پیمان خود با خدا را نثار خون خود در راه قرآن دانسته و نثار هزاران جان در راه خدا را شیرین و گوارا دانسته و شهیدان را زندگان جاوید و روزی خواران بارگاه حق تعالی می‌داند و چنین می‌سراید:	
بریزم خون خود در راه قرآن	که باشد عاشقان را عهد و پیمان
هزاران جان فدای راه الله	گوارا باشد و شیرین و آسان
بزن دست غمی بر سینه و سر	شهیدان زنده‌اند الله اکبر

شهید ارسلان در اشعار خود شهادت را مسیر و راه مولای متقیان حضرت امیر المومنین دانسته و شهادت را عهد و پیمان خداپرستان به شمار آورده و شهدا را زندگان جاوید نامیده است. و اعلان می‌کند که مسلمان نباید از مرگ بترسد و باید به فکر توشه آخرت باشد و الگوی این راه را اولین شهید محراب رمضان حضرت علی (ع) و یاران باوفایش میثم، ابوذر و عمار یاسر می‌داند و چنین می‌سراید:

خط سرخ شهادت رهروانی جون علی پوید که صبح آخرین فزت و رب للكعبه را گوید
 به محراب عبادت دست و روی خویشتن راهم بیازاید سر و روی و جبین با خون خود شوید
 به عشق خالق خود سر نهد بر سجده سبحان روانی پاک اندر باطن محراب می‌جوید
 ز خون پاک او در گلشن اسلام گلهایی چو میثم‌ها و بوذرها گلی چون یاسر و عمار روید

و در جایی دیگر چنین می‌سراید:

بریزم خون خود در راه قرآن که باشد عاشقان را عهد و پیمان
 هزاران جان فدای راه الله گوارا باشد و شیرین و آسان
 بزن دست غمی بر سینه و سر شهیدان زنده‌اند الله اکبر

شهید ارسلان ترس از مرگ را مذمت کرده و مردمان را به تدارک توشه آخرت سفارش نموده و چنین می‌گوید:

مسلمان را نباشد ترس مردن به دست گرگها خود را سپردن
 هراس او از این باشد که توشه نیندوزد به گاه حشر بردن

شهید ارسلان در اشعار خود شهید را مصداق آیات قرآن کریم می‌شمارد که آنها را صاحب نفس مطمئنه دانسته و راضی به رضای خدا می‌داند و مرتبه نفس راضیه و مرضیه را چنین به تصویر می‌کشد:

شهید آیات حق نیکو پسندد به روی خود در دنیا ببندد
 هر آن سختی رسد بر او ز الله به دل شکر خدا گوید بخندد

و در ابیاتی دیگر شهید را صاحب سینه‌ای چون صبح صادق می‌داند که دارای توشه‌ای از ارادت و درود پیامبران و فرستادگان الهی است ابیات زیر شاهد این عبارات است:

کوله باری پر از مهر انبیا دارد شهید سینه‌ای چون صبح صادق باصفا دارد شهید
 خرمن دل‌های خلقی را چو بنماید درو حاصلی بالاتر از صد مرحبا دارد شهید

در میان بحر خون دیدی چو او را غوطه ور قصه‌ها بیش از هزاران ماجرا دارد شهید

شهید ارسلان در دوران مبارزه با طاغوت در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و سپس در دوران شکوهمند دفاع مقدس همیشه با حسرت و آرزو به شهادت نگریسته و از خدا توفیق رسیدن به این مقام شامخ را داشته و در ابیات زیادی با کلمه آغازین، خوشا، این آرزو و خواسته را به تصویر کشیده و در نهایت، توفیق حاضر کرده تا به این مقام عظیم دست یابد چند بیت از اشعار شهید ارسلان در باب آرزوی شهادت بدین قرار است:

خوشا با بال خونین پر کشیدن به دیدار رخ جانان رسیدن
خوشا با گوش دل از بلبل عشق نوای شور و مستی را شنیدن
خوشا چون صیدی از زندان صیاد به سوی دشت آزادی پریدن
خوشا از بهر دیدار رخ دوست به سر در پیش پای او دویدن

و آخرین کلام این که خود را در برابر شهادت چنین تصویر کرده است:

این شاعر رزمنده که رخشا شده نامش جز شهد شهادت شگری در سخنش نیست

۲-۲-۷- لاله سرخ

شهید ارسلان در اشعار خود لاله را سمبول خون شهیدان قرار داده و هر گل سرخ روئیده در گلستان را گلی روئیده از تربت شهیدان دانسته و هر برگ آن گل را دفتری از ایثار و مقاومت جانبازان و شهیدان توصیف کرده است همچنین خون شهید را چون چشمه زمزم جوشان و پایداری به تصویر کشیده است نمونه‌ای از ابیات شهید ارسلان را در اینجا ذکر می‌کنیم:

بر تربت پاک هر شهیدی روییده گلی به سرخی خون
بنوشته به روی برگ هر گل دشمن ز وطن فکن تو بیرون
هر گوشه این سرا چه دهر جوشد ز شهید، خون چو زمزم
زخم دل مادرانه ندارد جز اشک و فغان و آه، مرهم

و در جای دیگر چنین می‌سراید:

هر لاله خونین که سر از خاک برآرد خونی است که جوشیده ز اندام شهید است
هر اختر رخشنده که در گنبد خضر است خود نقطه عطفی است که از نام شهید است
آن هاله که بگرفته رخ ماه در آغوش از شوق برآورده سر از بام شهید است

شهید ارسلان در اشعار خویش همه زاهدان و عارفان را و به طور کلی خداپرستی و بقای دین را جلوه‌ای

از خون شهیدان دانسته و سینه خداپرستان را منزل و جایگاه شهیدان می‌داند و چنین می‌سراید:

هم زاهد و هم عارف و هم عامی و ساقی هستند همه از می مینای شهیدان

هر سینه که از مهر خدا گشته منور آنجاست بهین منزل و ماوای شهیدان

۲-۲-۸- شهید آیت ا... صدوقی

آیت ا... صدوقی سومین شهید محراب یکی از یاران با وفای حضرت امام خمینی در طول جریان انقلاب

اسلامی از سال ۱۳۴۲ تا زمان شهادت خویش (روز جمعه دهم رمضان مصادف با ۱۳۶۱/۴/۱۱) بود، پایگاه

مبارزاتی آن حضرت در مسجد حظیره قرار داشت و شهید ارسلان و پدر بزرگوارش مرحوم حاج علی

اصغر از مریدان شهید صدوقی بودند و سال‌ها محضر مبارکش را درک کرده بودند شهید ارسلان در اشعار

خویش بارها از آیت ا... صدوقی به عنوان یک رهبر تمام عیار با خصال نیکو یاد کرده است در اینجا

گزیده‌ای از یکی از آن اشعار را ذکر می‌کنیم:

صدوقی را چه بود آیا گنااهش که بنشانندی به خون روی چو ماهش؟

شما ای حامیان خلق و مردم که مصداقید بر اوصاف کژدم

خبیثان پلید دیو سیرت شما دون همتان پست فطرت

صدوقی را چه بودی جرم و تقصیر به جز تعلیم و جز تعبیر و تفسیر

صدوقی حامی مستضعفان بود به هر جا بود ناکامی نهان بود

دلش لبریز از عشق یتیمان که بودش با شهیدان عهد و پیمان

صدوقی بهر درد ما دوا بود از لطفش بی نوا را بس نوا بود

فضیلت خصلت و اندیشه او عبودیت مرام و پیشه او

به هر جایی همیشه روز یا شام تمام هم او می‌بود اسلام

تعالیمش به دل‌ها پر اثر بود چو کردار نکویش چون پدر بود

دلش از عشق رهبر گرم و جوشان چنان رودی زلال و بس خروشان

صدوقی سوی یار خویش بشتافت عجب نیکو صدف بشکست و بشکافت

صدوقی باوقار و با رشادت گرفت از دست حق جام شهادت

۲-۲-۹- بسیجی

شهید ارسلان بسیجی را خورشید درخشنده در جبهه‌های نور می‌داند که به فرمان رهبر و مقتدای خویش حضرت امام خمینی (ره) جان و هستی خود را بر کف می‌نهد و تقدیم انقلاب اسلامی می‌کند و با شجاعت و تقوی، در راه مبارزه و شهادت همچون مجنون شیدا و بی پروا بر دشمن می‌تازد و به دنیا درس ایثار و شجاعت می‌دهد نمونه‌ای از آن ابیات:

کنون در جبهه‌های حق و باطل	بسیجی همچو خورشیدی درخشید
به فرمان خمینی با دل و جان	تمام هستی و جان را ببخشید
بسیجی با صفای باطن خود	به دنیا داده درسی از شجاعت
رهی نشناسد او جز راه تقوی	که همچون گشته در عشق شهادت

شهید ارسلان آلام و رنج بسیجیان در دوران دفاع مقدس را به تصویر کشیده و حرارت و داغی آن را آنقدر زیاد دانسته که اگر در گوش دریاها بخوانی آب دریا به جوش و خروش در می‌آیند و بخار آن دریای جوشان به ستاره سهیل می‌رسد. وی بزرگی این رنج را چنین می‌سراید:

مصیبت‌های تو هر کس که بشنید	چو نی با ناله‌های سینه لرزید
بگفتم از غمت در گوش دریا	بخار اشک او شد تا ثریا
سیه پوشیده شب از ماتم تو	که ابروی فلک خم از غم تو
به بحر خون شنا کردن تو دانی	به امواج شرف یا سر دوانی

و در منظومه‌ای دیگر، بسیجی را در جبهه چون کوه استوار و پایدار تصویر می‌کند و بالاترین ثمره حضور در جبهه را سربلندی ایرانی می‌داند و چنین می‌سراید:

میان جبهه‌های حق و باطل	بسیجی همچو کوهی استوار است
برای نام ایران در دل دهر	یقین بالاترین افتخار است
کند هر نیمه شب پیر جماران	به درگاه خداوندی دعایت
بخواهد در فضای جبهه و جنگ	ز سختی‌ها نگه دارد خدایت

شهید ارسلان در منظومه دیگری بسیجی را همتای شیر و الهام گرفته از شیر خدا حیدر کرار دانسته که در این راه آماده فداکاری و جانبازی است و ..

بسیجی را دلی همتای شیر است که خوی حیدر او را در ضمیر است
 برای حفظ قر آن محمد ستبر سینه اش آماج تیر است
 سبکبال او نشسته بر سر تور به دل می بندد او زیرا بصیر است
 بسیجی دین حق را کرده ترویج چرا؟ چون او سفیری بی نظیر است

۲-۲-۱۰- سرباز

شهید ارسلان در منظومه‌ای بلند سرباز را جانبازی سرافراز دانسته که در وجود خویش صفای باطن همچون اولیای الهی و انبیای مکرم دارد و سینه‌اش مالمال از عشق به شهادت و احیای کربلای حسینی است و یار دیرین او، شیر خدا مولای متقیان حضرت علی (ع) است. شهید ارسلان این منظومه را با این ابیات آغاز می‌کند:

تو ای سرباز اندر سنگر رزم به پیش روی خود داری خدا را
 تو با ایثار جان بخشی به ملت صفای اولیا و انبیا را
 تو در سینه دلی داری پر از عشق که با خون سرخ می سازی لقا را
 شرف، مردانگی، ایمان، شهامت تو آسان زنده کردی کربلا را
 شهادت پیشه کردن تا ببخشی به دین مصطفی نور خدا را
 تو ای سرباز داری یار دیرین علی را گویم آن شیر خدا را

و در قصیده‌ای دیگر همه سربازان و رزمندگان را مورد خطاب قرار می‌دهد و چنین می‌سراید:

دل خلق از شما یک دم جدا نیست که بی روی شما جایی صفا نیست
 در این دریای دهشت زای جبهه بجز عزم شما کس ناخدا نیست
 به جرات می‌توان گفتن که گلشن چو شکر خنده هاتان دلگشا نیست

و در شعری دیگر عطر دلنشین جبهه را چون هوای نوبهاران توصیف کرده و لذت دیدار رزمندگان را همچون صد مژده از پیر جماران زیبا و ارزشمند توصیف می‌کند:

جبهه‌ها حال و هوای نوبهاران می‌دهد بوی عطر دلنشین کوهساران می‌دهد
 لذت دیدار را در جمع یاران می‌دهد گویا صد مژده از پیر جماران می‌دهد

۲-۲-۱۱- فتح خرمشهر و اسارت قوای کفر

شهید ارسلان در غزلی زیبا پیروزی رزمندگان دلیر ایران در عملیات بیت المقدس و آزادی شهر خرمشهر را به تصویر کشیده و همه موفقیت‌ها و پیروزی‌ها را حاصل ایثار و از خودگذشتگی شهیدان می‌داند و چنین می‌سراید:

در و دیوار خونین شهر امروز نشان از عهد و پیمان شهید است
گذر آهسته کن در در کوچه شهر که زیر پای تو جان شهید است
به هر جا لاله‌ای روییده بینی دلی پر خون ز ایمان شهید است
توسل چون بجویی خط قرآن دوی درد و درمان شهید است

و در شعری دیگر، از خیل اسیران درمانده و مفلوک دشمن را یاد آور کرده و ضرورت ثبت ظلم و ستم آنان را به ملت ایران یادآور می‌شود و چنین می‌گوید:

دشمن دون دغل را ناگزیر آورده‌ای چهره منحوس او را چون زیر آورده‌ای
از انتقام خون یارانت بکشتی بی شمار زور بازویت بنام بس اسیر آورده‌ای
دشمن بعثی کنون باید به زنجیر آوری ظلم او برگوی ز تاریخ اخیر آورده‌ای

۲-۲-۱۲- فلسطین

سر زمین بیت المقدس، قبله اول مسلمین، بیش از ۶۰ سال است که توسط صهیونیست‌های بی وطن غصب گردیده و میلیون‌ها انسان آزاده و مسلمان از سرزمین مادری خویش آواره گشته و هزاران نفر از آنان به جرم دفاع از وطن و آیین خویش به شهادت رسیده‌اند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آزادی قدس به عنوان یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی از سوی حضرت امام خمینی اعلام شد و در این راستا جمعه آخر ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس به جهانیان معرفی گردیده و از آن پس همیشه قدس به عنوان یک سرزمین آرمانی مورد توجه مبارزان در صحنه‌های نظامی و فرهنگی بوده است. شهید ارسلان موضوع فلسطین را در شعر خویش چنین مطرح می‌کند: (شیرودی، مرتضی ص ۲۱ سال ۸۵)

عجین باشد فلسطین در وجودم ز عشق او بلرزد تار و پودم
گر از آزادیش غافل بمانم یکی باشد همه بود و نبودم
غریب و بی کس و تنها فلسطین چنان چون بحر خون پیدا فلسطین
به پا خیز ای یل توفنده چون شیر مباد آخر فتد از پا فلسطین

و در قصیده‌ای دیگر با یتیمان فلسطین همدردی کرده و مسلمین جهان را به مبارزه برای آزادی قدس فرا می‌خواند و چنین می‌سراید:

کجایید ای یتیمان فلسطین که پر بنموده میدان فلسطین
 شهیدان را پیام آخر این بود که هم جان شما جان فلسطین
 بیا با خون بشویم ای برادر خط خون را از دامن فلسطین
 و در قصیده‌ای دیگر آزادسازی قدس را از آرمان‌های خود دانسته و بشارت پیروزی قدس را داده و چنین می‌گوید:

فلسطین من تورا آزاد سازم دل اندر کوی تو آباد سازم
 به استقلال من تو را آزاد سازم دل اندر کوی تو آباد سازم
 به استقلا تو در عرصه رزم دهم هستی و حتی جان ببازم
 مپندار از تو ما یک دم جداییم که آلام تو را درد آشناییم
 مترس از خشم طوفان ای فلسطین به ساحل می‌رسیم ار با خداییم

شهید ارسلان در اشعار دیگری استراتژی آزادسازی قدس را با الهام از فرامین حضرت امام خمینی ((ره)) اعلام کرده و می‌گوید برای رسیدن به قدس باید از کربلا گذشت یعنی وظیفه امت اسلامی ابتدا نابودی صدام تکریتی و سپس حرکت به سوی قدس است و در این راه باید از جان و مال گذشت و اظهار امیدواری نموده که روزی در قدس همراه با حضرت امام بتوانیم برای ظهور حضرت مهدی ((عج)) دعا کنیم شاهد این کلمات ابیات زیر است:

به قدس ای دل اگر خواهی سفر کرد ز خاک کربلا باید گذر کرد
 در این ره جان و مال و خانمان را به روی دشمنان یک جا سپر کرد
 خوش آن روزی که در خاک فلسطین میان وارثان دیر یاسین
 کند رهبر دعا بهر ظهورش ز عمق جان همه گویای آیین

۲-۲-۱۳- صدام حسین

صدام حسین تکریتی پرورش یافته مکتب میشل عفلق بعثی است و مأموریت او مقابله با اسلام و مسلمین و خصوص شیعیان است، این جرثومه پلید که از نوجوانی در دام تباهی پرورش یافته بود، در جوانی و بزرگسالی به صدام از فسق و فجور و خیانت مبتلا گشت و در راه رسیدن به آرزوهای شیطانی و به پیروی از شیطان بزرگ، آمریکا، چندین جنگ بزرگ علیه امت اسلامی به وجود آورد و در نهایت پس از عمری جنایت و خیانت به دست اربابان ناسپاسش به دار مجازات آویخته شد. شهید ارسلان در اشعارش کارنامه صدام را به نظم در آورده و چنین می‌سراید:

صدام نسنجیده زده دست به جنگی
گفته است به او کارتر دیوانه مدهوش
تا باد دهد آبروی اهل تبارش
اردن همه سرباز به او هدیه نموده
سادات و بگین پول نمایند نثارش
اکنون شده صدام نگون بخت زمانه
با خدعه و نیرنگ فتاده سر و کارش
در دامن ارباب کند دار و ندارش
صدام به سر داشت که در منطقه چون شاه

و در شعری دیگر علیه صدام و ارتش او رجز خوانی می‌کند و چنین می‌گوید:

به خوزستان قدم بنهاده دشمن
خیال خام در سر پرودانده
که تا با دست خود گوری بسازد
که بر ایران و ایرانی بتازد
به رهبر همچو روح الله بنازد
اگر رهبر دهد اذن جهادم
عیان گردد چه کس باید ببازد

در منظومه‌ای دیگر نیز به دشمن پند و اندرز داده و قبله و آمال سپاهیان اسلام را شهادت در راه خدا دانسته و همه پیروزی‌ها را مرهون نصرت حق می‌داند:

پند بگیر ای عدو زینهمه اجلال ما
سنگ ستم چون زنی بر سر و بر بال ما
خط شهادت بود قبله و آمال ما
دست خدا روز و شب بر سر اقبال ما
دشمن ما را ثمر اشک به دامان بود
رنج فراوان به دل حسرت و حرمان بود

و در جای دیگر، جنگ ما را تکرار جنگ خیبر و نابودی یهودی‌های دشمن دین و آیین دانسته و او را در صحنه کارزار به خاک و خون کشیده است:

دوباره رزم خیبر زنده کردیم
زمان را با ما و نور شهادت
ز خون سرزمین آکنده کردیم
صف دشمن به خاک و خون کشیدم
نگر ما تا کجا تابنده کردیم
ز گوشش پنبه پیروزی جنگ
چه گویم تا که او را چون کشیدم
به نوک خنجرم بیرون کشیدم

۳- نتیجه گیری

ادبیات پایداری به مجموعه آثار نظم و نثر که در رابطه با مبارزه، درگیری، جنگ، اسارت، گروگان گیری و بازداشت باشد گفته می‌شود. یکی از مفاخر معاصر کشور ما در حوزه شعر، شهید معظم حسین ارسلان (رخشا) است با بررسی اشعار این دو شاعر بزرگوار در حوزه ادبیات پایداری، می‌توان نتایج ذیل را حاصل نمود:

به نظر شهید ارسلان حضرت سید الشهداء (ع) آموزگار بزرگ عزت و پایداری است و رزمندگان ما در دوران دفاع مقدس با الگو گیری از حماسه بزرگ عاشورا در صحنه‌های رزم حضور یافته و ایثارها کرده‌اند. و شروع انقلاب اسلامی ایران را از حماسه ۱۵ خرداد ۴۲ می‌داند که با هدایت روحانیت معظم و حضرت امام خمینی گسترش یافته و پس از ۱۵ سال مقاومت و مبارزه در ۲۲ بهمن ماه ۵۷ به پیروزی رسید و حضرت امام خمینی را مرد توحید و عدالت یاد کرده که همچون کوهی استوار و با کلامی چون شمشیر برنده است. وی در اشعار خود مردم را به شرکت در جبهه‌های جنگ تشویق نموده و حضور در جبهه‌ها را مظهر فتوت و جوانمردی شمرده و در بخشی از اشعار خویش، به رجز خوانی با دشمن پرداخته و اعلام می‌کند ما به فرمان حضرت امام خمینی پرچم اسلام را به سوی قدس عزیز می‌بریم و دشمنان دین را در هر نقطه از جهان سرکوب می‌کنیم. و شهادت را راه مولای متقیان حضرت علی (ع) و عهد دیرین خدایرستان می‌داند. و به اعتقاد وی لاله را سمبول خون شهیدان دانسته و هر گل سرخ رسته در گلستان را روئیده از تربت شهیدان می‌داند. و آیت الله صدوقی را از یاران باوفای حضرت امام خمینی و از استوانه‌های تقوی و مبارزه معرفی می‌کند و شهادت او را از آرزوهای وی می‌داند. بسیجی را چون خورشید درخشنده در جبهه‌های نور معرفی می‌کند که با شجاعت و تقوی به فرمان رهبر و مقتدای خویش جان و هستی خود را در کف نهاده و تقدیم انقلاب اسلامی کرده و سرباز را جانبازی سرافراز توصیف می‌کند که سینه‌ای مالامال از عشق به شهادت و احیای کربلای حسینی دارد. و مبارزه دلیرانه رزمندگان اسلام در کوچه‌های خرمشهر را به تصویر کشیده و فتح بزرگ خرمشهر را حاصل ایثار و تلاش آنان دانسته و آزادی قدس را به عنوان یکی از آرمان‌های بزرگ انقلاب اسلامی یاد می‌کند و سرزمین فلسطین را عجیب در وجود خود دانسته و در اشعار خویش با مردم فلسطین همدردی کرده و مسلمانان جهان را به مبارزه برای آزادی قدس فرا می‌خواند. نتیجه بررسی جلوه‌های پایداری و مقاومت در شعر محمدمهدی جواهری نشان می‌دهد در اشعار این شاعر پایداری و مقاومت از مضامین اصلی است. مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری در شعر جواهری: استعمار و استبداد داخلی، توصیف نابه‌سامانی‌های جامعه و دعوت مردم به مبارزه، ستایش وطن و ستایش قهرمانان ملی و میهنی، دعوت به اتحاد است، نگرش هر آن به استعمار و استبداد داخلی به حضور بیگانگان در کشور واکنش نشان داده‌اند و از استبداد داخلی انتقادهای تندی کرده است، او می‌داند که آزادی و دست یافتن به آن تنها راه نجات کشور است هر دو شعر شان را برای دفاع از حیثیت و استقلال وطن خود وقف کرد. در توصیف نابه‌سامانی‌های جامعه او، فقر، جهل و نادانی، بی‌عدالتی، ستم حاکمان از مشخصه‌های اصلی جامعه اوست. هر او مردم را از پذیرش شرایط جامعه منع می‌کند و با انتقاد و سرزنش از آنها می‌خواهد که در برابر ظلم و ستم به پا خیزند و قیام کند، در نهایت هر دو شاعر معتقدند باید مسلمین باهم متحدند شوند و در برابر بیگانگان انقلاب کنند.

۴- فهرست منابع و مآخذ:

- أبوحاقه، أحمد(۱۹۷۹) الألتزام فی الشعر العربی، بیروت: دار العلم للملایین.
- انصاری، نرگس، سیفی، طیبه (۱۳۹۳) «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری» (بررسی موردی دو قصیده دینی شاعر)، نشریه ادب عربی، ش ۲، صص ۴۹-۷۰
- ایروانی زاده، عبدالغنی، اصلانی، سردار، روان شاد، علی اصغر (۱۳۸۸) «نقد مظالم اجتماعی در شعر جواهری»، نشریه ادب و زبان دانشگاه کرمان، ش ۲۶، صص ۷۳-۸۶
- الجبوسی، سلمی الخضرا(۲۰۰۱م) الأتجاهات والحركات فی الشعر العربی الحدیث. بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیة.
- النخیاط، جلال و دیگران (۱۳۸۵) تاریخ ادبیات معاصر عرب، ترجمه محمود فضیلت، کرمانشاه: دانشگاه رازی
- النخیاط، جلال (۱۹۷۰) الشعر العراقی الحدیث، بیروت: دار صادر
- بیضون، حیدر توفیق (۱۹۹۳) محمد مهدی الجواهری شاعر العراق الاکبر، بیروت: دار الکتب العلمیة
- ترابی، ضیاءالدین، (۱۳۸۹)، آشنایی با ادبیات مقاومت جهان، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- جبران، سلیمان (۲۰۰۳) مجمع الأضداد دراسة فی سیره الجواهری و شعره، بیروت: دار صادر
- جحا، میشل خلیل (۱۹۹۹) الشعر العربی الحدیث، بیروت، دارالعودة.
- جواهری، محمد مهدی (۲۰۰۱) دیوان، بغداد: دار الحریة
- سنگری، محمدرضا(۱۳۸۹) ادبیات دفاع مقدس (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه های ادبی) تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس
- سنگری محمد رضا ج ۳، ۱ نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، چاپ اول، انتشارات پایداری، بهار ۸۰ شیروودی، مرتضی، فلسطین و صهیونیسم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، سال ۸۵
- کاکایی، عبدالجبار، بررسی تطبیقی، موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، انتشارات پالیزبان بهار ۸۰
- معروف، یحیی، اعتمادی، محمد(۱۳۸۸) «محمد مهدی الجواهری و اغراضه الشعریه»، نشریه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، ش ۲۵، صص ۲۴۹-۲۷۰
- نظمی، عبدالرزاق (۱۹۵۳) معجم العراق سجل تاریخی، سیاسی، اقتصادی، ثقافی، فی العراق منذ العهد العثماني حتی الیوم، (جزء الأول)، بغداد: مطبعة النجاح